

ادبیات

حمیدرضا شانهظری

تشیع تاریخی

و فروپاشی راهبر د جداسازی دو ملت

پیر مرد با دشدنشاهی سیاه، پرچم ایران را مثل عیاروی دوشش انداخته بود و با دست دیگر، عکس امام شهید انقلاب را گرفته بود و بی صدا شک می‌ریخت. جوتور، جوانی عرب، پرچم عراق را دور گردنش پیچیده بودو بر روی پیراهنش تصویر امام شهید انقلاب نقش بسته بود. زیر آفتاب سوزان کربلا، این دو تصویر، نمونه‌هایی از میلیون‌ها تصویری بود که می‌شد از یک تشییع تاریخی مشاهده کرد.

تشییع باشکوه، بی نظیر و اعجاب‌انگیز پیکر پاک امام شهید انقلاب اسلامی در عراق، علاوه بر تجلی عشق، ارادت و ولایت ملت عراق به امام شهید، به از مونی تجربی برای یکی از پایدار ترین برنامه‌های راهبردی نظام سلطه در غرب آسیا بدل شدد؛ با نامه‌ای که بیش از چهار دهه سیاست خارجی امریکا و متحدانش را شکل داده بود: «میان دو ملت ایران و عراق، به پشتوانه زخم جگ هشت ساله و شکاف‌های قومی، می‌توان دوری از نفرت و جدایی‌کشد»

اما این پروژه فقط یک سوی ماجرا نبود، بلکه مانند یک قیچی دو لبه داشت. دشمنان، هم‌زمان در خود ایران هم بدر بی اعتمادی و حتی نفرت علیه عراقی‌ها می‌کاشتند؛ از کلیشه‌های نژادپرستانه علیه «عرب» تا تهمت زدن هدفمند به رفتار زائران عراقی در ایران در برخی فضاهای رسانه‌ای. تشییع میلیونی در نجف و کربلا، یک‌جاهر دو لبه این قیچی اهدف قرار داد. برای فهم آنچه فروپاشید، باید معماری این پروژه را شناخت؛ پروژه‌ای که سه لایه در هم تنیده دارد. لایه نخست، مهندسی حافظه جمعی بود. دشمن سال‌ها کوشید جنگ هشت‌ساله را به «تبدی ذاتی میان عرب و عجم» تعریف و تحریف کند. صدام به حاشیه رانده شد تا تمام با منفی جنگ بر دوش ایران بنشیند. هم‌اویی ناخوابسته یا طراحی‌شده میان رسانه‌های دشمن و برخی جریان‌های داخلی در ایران نیز خون‌ریخت‌شده در فلوو شلمچه را به پای «مردم عراق» نوشت، نه رژیم بعث. این روایت چنان تکرار شد که حتی برخی نخبگان دو کشور، آن را «واقعیت مسلم» پنداشتند. لایه دوم، برساخت «دیگری تهدید‌آمیز» در هر دو سو بود. ایران برای عراقی‌ها «شغالگر خاموش» تصویر می‌شد که با زائر و کالای می‌آید و عراق برای ایرانی‌ها «کشوری ذاتا دشمن و قدرشناس» هدف این بود که هر تعامل میان دو ملت، نه یک پیوند طبیعی، که خیانت یا خطر خوانده‌شود. لایه سوم و خطرناک‌ترین لایه، نفوذ به حریم قدسی مشترک بود. تلاش برای جدا کردن «تشیع عراقی» از «تشیع ایرانی» و روایت‌هایی که امام حسین (علیه‌السلام) را «مختص عرب» یا «مختص ایران» می‌خواند، تزیینی سیاسی برای شکستن اسطوره‌های وحدت‌پخش بود. غافل از اینکه این سرمایه‌نمادین، ریشه در چهارده قرن تاریخ دارد و با چند دهه عملیات روانی فرسوده نمی‌شود.

این سه لایه در بی ساختن «ظلم گفت‌مانی‌ای» بودند که در آن، نزدیکی به برادر دینی برای هر ایرانی و عراقی «هزینه هویتی» داشته باشد. اما نظم‌های برساخته گفت‌مانی یک نقطه‌ضعف ذاتی دارند و آن اینکه در برابر «واقعیت اجتماعی» تاب نمی‌آورند و تشییع امام شهید، دقیقا چنین واقعیتی بود. آنچه در نجف و کربلا رخ داد، یک «کنش جمعی خودانگیخته» بود نه یک بسیج سازمانی. اگر تشییع یک تظاهرات حزبی بود، دشمن به‌راحتی آن را «پروژه ایرانی» می‌نامید. اما صحنه‌ها چیز دیگری می‌گفت. میلیون‌ها نفر با پای پیاده و در گرمای سوزان و طاقت‌فرسای عراق، با عشق و علاقه و با چشمانی اشکبار آمده بودند و این صحنه‌ها برای هر دو ملت پیامی روشن داشت: آنچه ما را به هم پیوند می‌دهد، نه مناسبات سیاسی، که رشت‌های از جنس ایمان، خون و تاریخ است. واقعیت این است که دوستی دو ملت، محصول یک تاکتیک سیاسی نیست، تا با پروپاگاندا میان برود. این دوستی ریشه در سرنوشته مشترک، در تاریخ، در آمانان مشترک، در حرم‌های مشترک، در مرجعیت دینی، در همسایگی و در خون‌های مشترک که در جبهه مقاومت برابر داعش ریخته شد، دارد. تشییع امام شهید، این پیوند را انساخت بلکه عمق آن را آشکار کرد و پرده از روی حقیقتی برداشت که دشمن طی چهار دهه کوشیده بود انکار کند.

فروپاشی این پروژه بزرگ، چندان بی‌صدا هم نبود. خشم ترامپ و مقامات امریکایی از تشییع رهبر ایران در عراق، یک «واقعیت آشکار» بود که خود را عیان کرد و این خشم، نشانه «فروپاشی انتظارات» از نتایج «سال‌ها برنامه‌ریزی شناختی» برای تفرق میان دو ملت بود. انتظار امریکاییان بود که عراق پس از شهادت رهبر ایران، از تهران فاصله بگیرد؛ انتظاری که محصول همان پروژه چهل‌ساله بود. تشییع میلیونی این باور را در یک‌روز ویران کرد و خشم دشمن، چیزی جز امضای پای سندان این شکست نبود. البته پروژه «جداسازی دو ملت»، پیش‌نیز پروژه مهم‌تری هم بود: «پروژه خلع سلاح مقاومت عراق». منطق طراحان این بود که اگر افکار عمومی عراق بپذیرد ایران «دیگری تهدید‌آمیز» است، آنگاه خلع سلاح حشدالشعبی یک «مطالبه ملی» جلوه می‌کند. پروژه‌ای که تلاش می‌شد در راستای جنگ هیبریدی علیه ایران اسلامی در روزها و هفته‌های آینده به نتایج مشخصی برسد، اما تشییع میلیونی و باشکوه پیکر مطهر امام شهید این زنجیره را در همان نقطه اوار بار کرد. وقتی میلیون‌ها عراقی عشق به رهبر ایران را به نمایش گذاشتند «دوستی با ملت ایران» دیگر یک انگ سیاسی نیست بلکه یک «کنش جمعی» است و با ملت ایران، خلع سلاح مقاومت، یک گزینه سیاسی، به یک «کنش ضد اجتماعی» بدل گشته است.

آنچه در نجف و کربلا رخ داد، نه «نمایش قدرت» که «اشکارگی حقیقت» بود، حقیقت پیوندی که حالا با لشکرها و گام‌های میلیونی، برای همیشه ثبت شده است. پروژه جداسازی دو ملت، با همه هزینه و پیچیدگی‌اش، در یک‌روز فروپاشید. اما پایان این ماجرا آغاز یک مسئولیت تازه است. دشمن از خیر این پروژه نخواهد گذشت و روایت‌های جدیدی راه را است. امروز وظیفه نخبگان، رسانه‌ها و احاد دو ملت است که نگذارند این «خطاره باشکوه جمعی» در غبار فراموشی یا مسمومیت تبلیغاتی‌گم شود. مسیر پیش‌رو، تثبیت همین وحدت است؛ وحدتی که این بار، نه در بیانیه‌های دیپلماتیک، که در قلب تاریخ، در اشک‌های زائران و در خون شهیدان دو ملت ریشه دوانده است.

خبر آخر

سخنگوی شورای نگهبان خبر داد

تأیید ساز و کار برگزاری جلسات مجلس در مواقع اضطرار

سخنگوی شورای نگهبان از تأیید مصوبه «ساز و کار برگزاری جلسات مجلس در مواقع اضطرار» در شورای نگهبان خبر داد. هادی طحان نظیف عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان روز چهارشنبه در گفت و گوی دربارہ طرح «اصلاح مساده (۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی» که با موضوع ساز و کار برگزاری جلسات مجلس در مواقع اضطرار گفت: این مصوبه که در آخرین جلسه مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، در شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفت و معاینات موازن شرع و قانون اساسی شناخته نشد. وی عنوان کرد: براساس تبصره ماده واحده این مصوبه در مواقع اضطرار و شرایط خاص کشور، که بنا به تشخیص هیئت‌رئیس مجلس، حضور نمایندگان و برگزاری جلسات رسمی مجلس از جمله صحن، کمسیون‌ها و هیئت‌رئیس به محل مذکور در این ماده امکان پذیر نباشد، این جلسات با اطلاع‌رسانی به نمایندگان در محل یا محل‌های دیگری غیر از محل دائمی در بستر فضای مجازی تشکیل می‌شود. سخنگوی شورای نگهبان در پایان این نکته را بیان هم کرد که البته تاکنون نظر هیئت اعالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام دریافت نشده و چنانچه در یافت شود به مجلس ارسال خواهد شد. ساز و کار برگزاری جلسات مجلس در مواقع اضطرار در نخستین جلسه علنی مجلس بعد از جنگ به تصویب رسید.

۲ جوان

۴ خبر یک

رئیس جمهور با اشاره به ضرورت صیانت از سرما یه اجتماعی، مطالبات مردم را بحق توصیف کرد و حفظ انسجام ملی را مسئولیتی همگانی دانست.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ریاست جمهوری، جلسه هیئت دولت صبح دیروز، به ریاست دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، برگزار شد. رئیس‌جمهور در این نشست با تأکید بر ضرورت هم‌افزایی و هماهنگی میان تمامی دستگاه‌های اجرایی، انسجام درونی دولت را پیش‌نیاز ارتقای کیفیت خدمات عمومی دانست و تصریح کرد که تعامل مؤثر میان بخش‌های مختلف، زمینه‌ساز پاسخگویی مطلوب به مطالبات مردم و افزایش کارآمدی نظام اجرایی کشور خواهد بود. پزشکیان با اشاره به ضرورت صیانت از سرمایه اجتماعی، مطالبات مردم را بحق توصیف کرد و حفظ انسجام ملی را مسئولیتی همگانی دانست. رئیس‌جمهور همچنین بر پرهیز از هرگونه موضوع گبری و



اظهار نظر تفرقه‌افکنانه تأکید کرد و وحدت ملی را مهم‌ترین پشتوانه کشور در عبور از چالش‌ها و خنثی‌سازی اهداف دشمنان برشمرد. پزشکیان در ادامه توسعه دستاوردها، تداوم خدمت‌رسانی مؤثر و ارتقای کیفیت خدمات به اقصشار مختلف جامعه را از ارکان اصلی

تنبیه متجاوز با عملیات موشکی و پهپادی نیروهای مسلح از سر گرفته شد

عصر پاکسازی منطقه از متجاوزان با عملیات نصر

نمی‌باید در اشغال جنایتکارانی باشد که تنها طی دو سال گذشته هفتاد هزار فلسطینی از جمله ۲۰ هزار کودک را در غزه قهیم مک به شهادت رسانده‌اند و فاجعه مدرسه میناب را مرتکب شدند. انتظار داریم هیچ فرصتی را برای تخریب مؤسسات امریکایی متجاوز و رهایی سرزمین‌های اسلامی از پایگاه اشغالگران امریکایی از دست ندهید.»

تفکیک ملت‌ها از اشغالگران

مسرور بیانیه‌های اخیر سپاه نشنان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران در کنار عملیات‌های نظامی، در حلال تثبیت یک پیام سیاسی نیز هست؛ پیامی که بر تفکیک کامل میان ملت‌های مسلمان منطقه و نیروهای اشغالگر امریکایی استوار است. بر خلاف جنگ‌های کلاسیک که دولت‌ها و ملت‌ها در یک جبهه تعریف می‌شوند، ادبیات بیانیه‌های سپاه تلاش دارد این گزاره را به افکار عمومی منطقه منتقل کند که جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه خصومت و اختلافی با ملت‌های مسلمان منطقه ندارد و هدف عملیات‌های ایران، صرفاً مراکز و نیروهای نظامی امریکاست که از خاک این کشورها علیه ملت‌های منطقه استفاده می‌کنند. این رویکرد، امتداد همان سیاستی است که جمهوری اسلامی ایران طی بیش از چهار دهه گذشته در قبال کشورهای همسایه و اسلامی دنبال کرده و همواره ایران دولت‌های وابسته به قدرت‌های فرامنتظامی و ملت‌های مسلمان تفکیک قائل شده است. در واقع، بیانیه‌ها اخیر می‌کوشند این پیام را تثبیت کنندد که عامل اصلی ناامنی، جنگ‌افروزی و بی‌ثباتی منطقه، حضور دولت‌های استعماری فرامنتظامی و پایگاه‌های نظامی آن‌ها در سرزمین‌های اسلامی است؛ حضوری که به زعم صادرکنندگان این بیانیه‌ها، امنیت ملت‌های منطقه را نیز به مخاطره انداخته است.

ارتش: استعمار عملیات «صاعقه»

در کنار عملیات‌های سپاه، ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز از ادامه عملیات پهپادی «صاعقه» علیه پایگاه‌های امریکا خبر داد. روابط عمومی ارتش اعلام کرد در مراحل هفتم و هشتم این عملیات، محل استقرار جنگنده‌های اف-۱۸، ساختمان‌های اسکان و سوله‌های تجهیزاتی ارتش امریکا در پایگاه ارتد اردن هدف حملات پهپادی قرار گرفته است. ارتش همچنین با اشاره به حمله موشکی امریکا به پادگان بمبور ایرانشهر که به شهادت هفت نفر از کارکنان پاور و وظیفه انجامید، تأکید کرد که «انتقام خون پاک شهدای این جنایت است. ارتش همچنان با اشاره به حمله موشکی اقدام متجاوزانه در زمان مقتضی داده خواهد شد. مجموعه عملیات‌های اخیر سپاه و ارتش، در کنار پیام‌های سیاسی منتشر شده در اطلاعیه‌ها، نشان می‌دهد پاسخ جمهوری اسلامی ایران به تجاوزات امریکا صرفاً در عرصه نظامی تعریف نشده، بلکه تازش می‌شود هم‌زمان با تعقیب اهداف نظامی، رویت سیاسی ایران نیز برای ملت‌های منطقه تثبیت شود؛ روایتی که استعمار بر انگلستان، سابقه سپاه و میان ملت‌های مسلمان و نیروهای اشغالگر فرامنتظامی و معرفی‌حضور امریکا به عنوان عامل اصلی برهم‌زننده امنیت و آرامش غرب آسیاست.

ف

مجموعه عملیات‌های اخیر سپاه و ارتش، در کنار پیام‌های سیاسی منتشر شده در اطلاعیه‌ها، نشان می‌دهد پاسخ جمهوری اسلامی ایران به تجاوزات امریکا صرفاً در عرصه نظامی تعریف نشده است، بلکه تلاش می‌شود هم‌زمان با تعقیب اهداف نظامی، روایت سیاسی ایران نیز برای ملت‌های منطقه تبیین شود

حملات امریکا از پایگاه‌های مستقر در خاک این کشور انجام می‌شود، تصریح می‌کند که «سرزمین مقدس اردن قدمگاه انبیاست و جای اشغالگران و جنایتکاران بین‌المللی نیست» و از مردم این کشور می‌خواهد اجازه ندهند خاک اردن مبدأ تجاوز به کشورهای اسلامی باشد و برای پایان این تجاوزات، هم‌زمان با اقدامات نظامی و مخازن سوخت ناوگان پنجم دریایی امریکا در بحرین خبر داد و با تأکید بر اینکه امریکا با اقدامات خود مسیر صادرات نفت و گاز را مختل کرده است، تصریح کرد: «صادرات نفت و گاز منطقه را برای همه یا برای هیچ‌کس.»

پیام مستقیم به ملت‌های منطقه

شاید مهم‌ترین ویژگی عملیات‌های اخیر، نه صرفاً اهداف نظامی آن‌ها، که ادبیات سیاسی و رسانه‌ای به کارگرفته‌شده در بیانیه‌های سپاه باشد؛ ادبیاتی که مستقیماً ملت‌های منطقه را مخاطب قرار می‌دهد. سپاه در اطلاعیه شماره ۱۳، خطاب به مردم اردن، ضمن تأکید بر اینکه بخش مهمی از

ادبیات

جنگ و صلح در پرتو تحولات منطقه



داود امری

کارشناس سیاسی

منطقه غرب آسیا در یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مقاطع تاریخی خود قرار گرفته است. از یک سو، هر روز اخبار تازم‌ای در گریزهای نظامی، تنش‌های امنیتی، عملیات‌های متقابل و رقابت‌های ژئوپلیتیکی منتشر می‌شود و از سوی دیگر، تلاش‌های مستمر میانجی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای کاهش تنش، برقراری آتش‌بس و فراهم کردن زمینه گفت‌وگو و توافق میان امریکا و ایران ادامه دارد. این هم‌زمانی جنگ و دیپلماسی، فضای منطقه را به محیطی چندلایه و پیچیده تبدیل کرده است.

پرسش اساسی که در سبب این پیچیدگی‌ها و محافل سیاسی، دانشگاهی و راهبردی مطرح می‌شود این است که آیا منطقه در مسیر دستیابی به صلح، هرچند ناپایدار، حرکت می‌کند یا باید خود را برای جنگی گسترده‌تر آماده سازد. بررسی روندهای کلان نظام بین‌الملل، تحولات منطقه‌ای و راهبردهای دو طرف اصلی این منازعه، یعنی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا، نشان می‌دهد که پاسخ به این پرسش نه در انتخاب یکی از دو گزینه «جنگ» یا «صلح»، بلکه در هم‌زیستی هم‌زمان این دو پدیده نهفته است. این ارزیابی بر چند ملاحظه اساسی استوار است. نخست آنکه جهان در حال ورود به دوره‌ای از رقابت‌های فشرده در سر منابع، بازارها، فناوری‌های راهبردی و حوزه‌های نفوذ است. کاهش نسبی منابع، افزایش تقاضای جهانی، رقابت قدرت‌های بزرگ و گذار تدریجی از نظم سنتی به نظم چندقطبی، محیط بین‌المللی را به سمت بی‌ثباتی و منازعات مستمر سوق داده است. در چنین شرایطی، انتظار شکل‌گیری صلحی پایدار و عادلانه چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد و احتمال استمرار بحران‌ها و تنش‌های منطقه‌ای بیش از گذشته خواهد بود.

دوم آنکه ایالات متحده امریکا در شرایطی قرار دارد که بسیاری از تحلیلگران از آن با عنوان «افول نسبی قدرت» یاد می‌کنند. راهبردهای جدید واشنگتن نیز نشان می‌دهد که این کشور برای حفظ یا بازسازی جایگاه هژمونیک خود، رقابت با قدرت‌های نوظهور را در دستور کار قرار داده است. این رقابت صرفاً نظامی نیست، بلکه ابعاد اقتصادی، فناوریانه، اطلاعاتی، شناختی و امنیتی را نیز در بر می‌گیرد. ازاین‌رو، تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی و افزایش فشارها علیه رقبای راهبردی، بخشی از سیاست کلان امریکا در سال‌های آینده خواهد بود.

سوم آنکه، ماهیت منازعات در غرب آسیا بیانگر وجود تعارض‌های عمیق، ریشه‌ای و ساختاری میان ایران و امریکا است. این اختلافات صرفاً به یک پرونده یا موضوع خاص محدود نمی‌شود، بلکه طیفی از مسائل راهبردی از جمله امنیت منطقه‌ای، موازنه قدرت، سیاست‌های دفاعی، برنامه هسته‌ای، نفوذ و نقش منطقه‌ای، رژیم صهیونیستی، تحریم‌ها و دیگر موضوعات کلان ژئوپلیتیکی را در بر می‌گیرد. افزون بر این، انباشت بی‌اعتمادی ناشی از اقدامات و تقابل‌های گذشته، به‌ویژه جنگ اخیر، ترور و شهادت شخصیت‌های برجسته ایران همچون قائد اعظم امت اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خمانه‌ای (ره)، شکاف اعتماد میان دو طرف را بیش از پیش تعمیق کرده و دستیابی به هرگونه توافق پایدار را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است. در چنین شرایطی، از این دیدگاه، اعتماد به امریکا با تردیدهای جدی مواجه بوده و بخش قابل توجهی از افکار عمومی نیز بر ضرورت پیگیری حقوق خود، جبران خسارت‌ها و خونخواهی رهبر خویش تأکید دارند.

چهارم آنکه در معادلات غرب آسیا بازیگرانی حضور دارند همچون رژیم صهیونیستی که تداوم بحران و جنگ را بیش از صلح به سود منافع راهبردی خود می‌انند. از این منظر، هرگونه روند مذاکره یا توافق با اقدامات اخلال گرانه، تحریک‌آمیز یا امنیتی مواجه می‌شود تا شاکل‌گیری ثبات پایدار جلوگیری شود. بنابراین، حتی در صورت آغاز مذاکرات، احتمال بروز حوادثی که روند گفت‌وگوها را با اختلال روبه‌رو کند، همچنان وجود خواهد داشت.

پنجم آنکه قدرت‌های بزرگ و بازیگران اثرگذار بین‌المللی، هرچند نسبت به گسترش جنگ در منطقه نگران هستند، اما با احتیاط و محاسبه‌گری وارد این تحولات می‌شوند. آنان از یک سو مایل به جلوگیری از یک جنگ فراگیر هستند که می‌تواند پیامدهای اقتصادی و امنیتی گسترده‌ای برای جهان داشته باشد و از سوی دیگر، تمایلی به ورود مستقیم به یک تقابل پر هزینه نیز ندارند. ازاین‌رو، سیاست غالب آنان مدیریت بحران و جلوگیری از خروج آن از کنترل است، نه حل منازعات.

ششم آنکه دولت‌های منطقه نیز از تداوم تنش‌ها منضر می‌شوند؛ زیرا جنگ، امنیت، اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بااین حال، بسیاری از این دولت‌ها با توان لازم برای اثرگذاری مستقل بر رفتار قدرت‌های بزرگ را ندارند یا اراده سیاسی کافی برای ایفای چنین نقشی در آنها مشاهده نمی‌شود. در نتیجه، بخش مهمی از بازیگران منطقه در نوعی ابهام راهبردی و سیاست انتظار به سر می‌برند.

برآیند این عوامل نشان می‌دهد که در آینده قابل پیش‌بینی، نه جنگ به طور کامل پایان خواهد یافت و نه مذاکرات قادر خواهد بود همه اختلافات را حل کند. در واقع، منطقه وارد دوره‌ای شده است که «جنگ» و «دیپلماسی» به صورت هم‌زمان و موازی جریان خواهند داشت. فشارهای نظامی، رقابت‌های امنیتی، جنگ شناختی و اقتصادی از یک سو و مذاکرات، میانجی‌گری‌ها و تلاش برای مدیریت بحران از سوی دیگر، دو روندی هستند که احتمالاً در کنار یکدیگر ادامه خواهند یافت. هیچ‌یک از این دو روند به تنهایی توان پایان دادن به مداخله پیچیده منطقه را ندارد.

در چنین شرایطی، راهبرد مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران، اتخاذ سیاستی شوم‌نشانانه و موازنه در دو مسیر بازدارندگی و دیپلماسی است؛ راهبردی که بتواند ضمن حفظ قدرت ملی، فرصت‌های سیاسی و دیپلماتیک را نیز از دست ندهد.

در حوزه بازدارندگی، حفظ و ارتقای قدرت دفاعی و نظامی، تقویت توان پاسخ‌گویی سریع به هرگونه تهدید، نمایش اراده قاطع در دفاع از منافع ملی، جلوگیری از ایجاد فرصت برای بازی دشمن و بهره‌گیری از ظرفیت‌های متنوع قدرت ملی برای حفظ موازنه راهبردی، ضرورتی انکارناپذیر است. بازدارندگی مؤثر زمانی تحقق می‌یابد که طرف مقابل از هزینه‌های هرگونه اقدام خصمانه آگاهی کامل داشته باشد.

در کنار آن، استمرار مسیر دیپلماسی و مذاکره نیز اهمیت فراوانی دارد. بهره‌گیری از ظرفیت میانجی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، مشارکت دادن قدرت‌های اثرگذار در روندهای سیاسی، حفظ مشروعیات حقوقی و سیاسی اقدامات ایران، دفاع از منافع ملی، اقبال افکار عمومی جهانی و جلوگیری از شکل‌گیری اجماع سیاسی علیه کشور، از مهم‌ترین اهداف این مسیر به شمار می‌رود. دیپلماسی، مکمل قدرت بازدارندگی است و نه جایگزین آن.

در مجموع، آینده منطقه بیش از آنکه به سمت صلح کامل یا جنگ تمام‌عیار حرکت کند، در مسیر رقابت مستمر، بحران‌های کنترل‌شده و مذاکرات مقطعی پیش خواهد رفت. ازاین‌رو، موفقیت ایران در چنین محیطی مستلزم آن است که هم‌زمان از قدرت دفاعی مؤثر و دیپلماسی فعال برخوردار باشد. حرکت هموازن در دو مسیر، مقدرانه در این دو مسیر موازی، می‌تواند ضمن حفظ ابتکار عمل، مانع از غافلگیری راهبردی شده و دست‌و‌تر را در مدیریت تحولات آینده برای جمهوری اسلامی ایران فراهم سازد.